

درصد و در بانک‌های خصوصی ۱۳ درصد اعلام شد. سود سپرده‌ها در سال ۸۶ برای بانک‌های دولتی همان ۱۶ درصد تعیین شد، اما در بانک‌های خصوصی به ۱۷/۵ درصد کاهش یافت. این در حالی بود که نرخ تورم هر ماه، نسبت به ماه مشابه سال قبل همچنان صعودی بود، به طوری که این نرخ در پایان سال ۸۶ به ۱۸/۴ درصد افزایش یافت. نرخ سود تعیین شده برای تسهیلات بانکی در سال ۸۷ نیز در شرایطی اعمال شد که نرخ تورم، همچنان در حال افزایش بود. با افزایش شکاف بین نرخ سود تسهیلات و نرخ تورم، بانک‌ها توان پرداخت سود واقعی را به سپرده‌ها از دست دادند و سپرده‌گذاران برای حفظ ارزش پول خود، ناچار به خارج کردن سپرده‌ها از بانک‌ها و بکارگیری آنها در بازارهای زودبازدهی چون مسکن و طلا شدند. در همین حین، بهمنی، رییس کل بانک مرکزی، خبر از رشد منفی سپرده‌های بانک‌های دولتی در شش ماهه اول سال جاری و کمبود منابع بانکی داد. آخرین آمار بانک مرکزی نیز حکایت از رشد منفی سپرده‌ها دارد. میزان سپرده‌های بانکی در سه ماهه اول سال جاری ۱۵۲ هزار و ۸۷۱ میلیارد تومان بود که در مقایسه با سه ماهه اول سال گذشته، به میزان ۰/۴ درصد رشد منفی دارد. همچنین روند جذب سپرده از تیر ماه سال جاری - که به میزان ۱۵۷ هزار و ۵۵۷ میلیارد تومان بود - سیر نزولی در پیش گرفته و در شهریور سال جاری به ۱۵۶ هزار و ۶۴۶ میلیارد تومان رسید که این امر حکایت از رشد منفی ۰/۶ درصدی نسبت به دو ماه گذشته دارد. افزایش فاصله میان نرخ تورم و سود تسهیلات، موجب شد تا برخی افراد از پرداخت اقساط، به دلیل به صرفه نبودن خودداری کنند و بدین ترتیب مطالبات معوق بانک‌ها افزایش یافت.

در هر حال، آنچه که بیش از همه باعث شد تا ورودی بانکی به نفع خروجی آنها تغییر کند، فشار زیاد دولت بر بانک‌ها برای تأمین تسهیلات بخش‌های مورد نظر خود بود. بنگاه‌های زودبازده یکی از این طرح‌ها است که بر اساس آمار بانک مرکزی، به میزان ۳۸ درصد از محل اصلی خود انحراف داشته است.

مقام اول ایران در تسلط بر منابع

بانک جهانی در بررسی دو سال قبل خود، دولت ایران را از نظر سلطه بر منابع بانکی در جایگاه نخست منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا معرفی کرد و تسلط دولت‌ها را بر منابع مالی، یکی از ویژگی‌های بارز کشورمان در منطقه نام برد. ■



دیدگاه دکتر محمد طالبی، مدیر عامل بانک کشاورزی، نسبت به مسأله ورود شرکت‌های بیمه تجاری، به حوزه بیمه محصولات کشاورزی

ورود بیمه‌های تجاری به بخش کشاورزی

آشتی کشاورزی و بیمه

بیمه انتهای زنجیره‌ای است که اصل آن مدیریت ریسک می‌باشد و اگر بیمه بخواهد مؤثر واقع شود، باید به دنبال مدیریت ریسک در حوزه‌هایی باشد که تحت پوشش بیمه قرار خواهند گرفت. اساساً هدف بیمه، توسعه اقتصادی است، نه این که یک سری شرکت‌ها با پرداخت حق بیمه، تأمین‌کننده خسارت سایر شرکت‌ها و یا بیمه‌شدگان باشند.

چراکه اگر واقعاً نگاه به بیمه بر اساس جبران خسارت باشد، بیمه نمی‌تواند آن نقشی را که در توسعه اقتصادی بر عهده دارد، ایفا کند. اکنون این سؤال مطرح است که آیا در کشور ما هر حوزه‌ای که تحت پوشش خدمات بیمه قرار می‌گیرد، به سمت مدیریت ریسک هدایت شده و رو به توسعه می‌نهد؟ آیا واقعاً بیمه کردن حوزه حمل و نقل منجر به توسعه بخش حمل و نقل کشور شده است؟ آیا بیمه مسوولیت، منجر به بهبود مدیریت‌ها شده است یا بر عکس؟ مثلاً بیمه‌هایی که در حوزه پیمان کاری‌ها انجام می‌دهیم، صرفاً ابزاری برای اطمینان خاطر و حتی استقبال از

ریسک، برای انجام پروژه‌های پرخطر توسط پیمانکاران می‌شود. اساساً باید بررسی کرد هر جا که بحث بیمه مطرح می‌شود، چه مخاطراتی در آن حوزه وجود دارد. معمولاً برای شرکت‌های بیمه و فعالان بیمه‌ای، جذابیت جایی که تنوع خطر در آن بیشتر باشد، زیاد است و شرکت‌های مذکور در پی مصون نمودن این خطر از طریق بیمه هستند. ریسک تولید، ریسک قیمت، ریسک دارایی، ریسک مرتبط با نیروی انسانی و ریسک مالی - که هر کدام از این ریسک‌ها، خودشان گستره فراوانی دارند - از موارد ریسک موجود در بازار می‌باشند. به علاوه، مخاطرات موجود در حوزه محصولات کشاورزی، از دیگر مسائلی است که شرکت‌های بیمه با توجه به آنها، خدمات بیمه‌ای خود را ارائه دهند. حوزه کشاورزی در ایران - با همه مخاطراتی که دارد - به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مثبت، از جمله حوزه‌هایی است که قابلیت بیمه شدن را دارا است. عدم تمایل شرکت‌های بیمه تجاری به سمت بیمه کشاورزی، به این دلیل است که برخی

کشت و تشخیص این موضوع که تولید محصول در یک منطقه، اقتصادی است یا خیر، از دیگر فواید بیمه کشاورزی است که ضمن کنترل ریسک تولید، می‌تواند در این زمینه نقشی به مراتب بهتر از نظارت دولت ایفا کند و قادر خواهد بود تا سطح پوشش محصولات کشاورزی را بالا ببرد.

پوشش ریسک فعالیت‌های کشاورزی توسط بیمه، می‌تواند ضمن ایجاد اطمینان برای تولیدکننده محصول کشاورزی، منجر به افزایش سطح زیرکشت محصول شود که خود این امر منجر به افزایش سطح درآمد شرکت‌های بیمه خواهد شد. افزایش ظرفیت اعطای تسهیلات و افزایش انگیزه در سرمایه‌گذاری، از دیگر مزایای حرکت بیمه‌های تجاری به سمت محصولات کشاورزی است، چراکه اگر بیمه‌های تجاری به سراغ بخش کشاورزی بیایند، سرمایه‌گذاران بیشتری آمادگی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را پیدا خواهند کرد.

مدیریت خطر

که با ورود تکنولوژی جدید و ابداع روش‌های نوین پیش‌بینی ریسک، به راحتی می‌شود خطر را مدیریت کرد که این فرصت خوبی برای شرکت‌های بیمه‌ای است. مواد اولیه، نهاده‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی، محصولات و حمل‌ونقل، همگی حلقه‌های به هم پیوسته زنجیره صنعت کشاورزی هستند که می‌توانند تحت پوشش خدمات بیمه‌ای درآیند. با توجه به روش‌های مناسبی که در کشورهای توسعه یافته دنیا اجرا شده و تجربه‌های موفق که در این زمینه حاصل شده است، می‌توان بیمه‌های تجاری را به آزمودن روش‌های تجربه شده ترغیب کرد. به عنوان مثال، در اسپانیا همه ریسک‌های موجود، تحت پوشش خدمات بیمه‌ای قرار می‌گیرند. گفتنی است با توجه به تجربه موجود در حوزه بیمه محصولات کشاورزی، بسیاری از تخصص‌ها، تکنیک‌ها، روش‌ها و دانش‌هایی که در این حوزه برای شرکت بیمه لازم است، در دسترس می‌باشند و بیمه محصولات کشاورزی می‌تواند همه این تخصص‌ها را شامل شود. ■

حوزه‌ها، بعضی از مخاطرات بخش کشاورزی را به حوزه‌های دیگر تعمیم می‌دهند. بنابراین، نکته دیگری که می‌تواند عامل برانگیزاننده بیمه‌های تجاری برای بیمه محصولات کشاورزی باشد، سهمی است که بخش کشاورزی در اقتصاد دارد؛ بخش کشاورزی کشور سالانه حدود ۵۴ هزار و ۵ میلیارد تومان تولید دارد که اگر صنعت غذایی، حمل‌ونقل، نگهداری و موارد مربوط به آن را به این رقم اضافه کنیم، قابل توجه خواهد بود. یعنی وقتی که محصول ناخالص داخلی کشور، نزدیک به ۲۶۰ هزار میلیارد تومان است، میزان فوق در بخش کشاورزی، رقم قابل توجهی خواهد شد، بنابراین از نظر بیمه‌گر فرصت مناسبی است تا با توجه به تنوع فعالیت‌های کشاورزی و میزان تمرکز ریسک در این فعالیت‌ها، بتواند هدف بیمه را در این بخش تشخیص داده و انتخاب نماید.

در سال ۷۶، مجموع حق بیمه دریافتی، حدود ۲۸ میلیارد ریال بوده، در حالی که با توسعه صورت گرفته در حوزه بیمه کشاورزی، این رقم در سال ۸۶ به حدود ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال رسیده است. لذا اگر شرکت‌های بیمه تجاری وارد بخش کشاورزی شوند، می‌توانند برای این بخش، فواید فراوانی را به ارمان‌بیاورند، چراکه بهینه‌سازی در عملیات بیمه‌گری، کارایی را افزایش داده و باعث کاهش هزینه‌ها خواهد شد. همچنین الزاماتی که شاخص‌های مدیریت ریسک مطرح می‌کند، باعث بهبود بیمه تجاری در بخش کشاورزی می‌شود که این فرصت خوبی برای بخش کشاورزی است. ورود بیمه تجاری به حوزه کشاورزی، منجر به الزام حداقل شرایطی در این بخش می‌شود که خود این حداقل‌ها، در توسعه بخش کشاورزی نقش آفرین هستند.

به عنوان مثال، بیمه کردن گلخانه، گاوداری و یا مزرعه، با تعریف استانداردهایی از قبیل وجود نیروی انسانی متخصص، آموزش نیروی انسانی و بهبود مدیریت همراه است و بدین ترتیب، واحد تولیدی را ملزم به رعایت استانداردهای تولید می‌کند، چراکه هدف، کاهش ریسک واحد تولیدی است و این امر باعث می‌شود تا تولید محصول، رقابتی‌تر شده و قابلیت صادرات آن نیز بالا رود. تخصیص بهینه

پرونده هسته‌ای ایران

۲۰۰۹: شکست بن بست هسته‌ای؟



در نگاه مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل (موسوم به Chatham House)، اگرچه بحران مالی جهان بر روابط خارجی آمریکا و کشورهای اروپایی تأثیر شدیدی گذاشته است، اما تهدیدها علیه برنامه هسته‌ای کشورمان، کم و بیش پابرجا است.

پس از پنج سال که مذاکره، ارایه طرح‌های پیشنهادی، صدور قطعنامه‌های سازمان ملل و اعمال تحریم‌ها در دستیابی به موفقیت بی‌تأثیر بوده‌اند، اکنون همچنان که مشاجره بر سر مسأله هسته‌ای ایران به بن بست رسیده است، دستگاه دیپلماسی ایران به مبارزه خود در این زمینه ادامه داده و امکانات هسته‌ای خود را توسعه می‌بخشد که این امر، مسأله را بغرنج‌تر و حساس‌تر می‌کند. به نظر می‌رسد در سال ۲۰۰۹ دلگرمی‌هایی برای پیشرفت ایران در زمینه هسته‌ای وجود داشته باشد. مسایل سیاسی و اقتصادی ایران می‌تواند شرایط را به گونه‌ای تغییر دهد تا رئیس‌جمهور جدید آمریکا در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران، رویکردهای جدیدی اتخاذ نماید. البته موضع مقامات ایرانی و نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال آینده ایران نیز در تصمیم‌گیری در این رابطه، کم اهمیت و بی‌تأثیر نخواهد بود این در حالی است که مردم‌گرایی دکتر احمدی‌نژاد، نتوانست در رفع سوء ظن هم حزبی‌های او چاره‌ساز باشد و این احتمال وجود دارد که همزمان با کاهش قیمت نفت، مشکلات اقتصادی نیز در ایران بغرنج‌تر شود.

این شرایط، به واسطه روابط تیره ایران با قدرت‌های غربی و وضعیت پیچیده این کشور در منطقه، حساس‌تر هم خواهد شد. این در حالی است که از سال ۲۰۰۱ تاکنون، ایران در پی دستیابی به آرزوی دیرینه خود برای تبدیل شدن به قدرت اصلی

منطقه، به خصوص در عراق، مصمم‌تر شده است. ایران سعی می‌کند تا با محدود کردن قدرت آمریکا در عراق، اولاً اطمینان حاصل کند که این کشور، تهدیدی برای آن به شمار نمی‌رود و ثانیاً بتواند برای نشان دادن تأثیر هرچه بیشتر قدرت خود در منطقه، اقدامی مفید صورت دهد؛ اگرچه تنش‌های سیاسی در منطقه، حضور اسرائیل و نیروهای آمریکایی و بی‌اعتمادی دولت‌های عرب، همگی میزان تأثیرگذاری ایران در جریان حوادث منطقه را تحت الشعاع قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد ایران فعلاً فقط می‌تواند نسبت به وضعیت فعلی حاکم بر خاورمیانه اعتراض کند، اما هنوز توان تغییر شرایط را ندارد. موضوع دیگری که ایران را تحت فشار قرار داده، کندی در روند پیشرفت صنعت نفت و گاز این کشور است. در شرایطی که منابع نفتی ایران روز به روز در حال کاهش بوده و صادرات گاز با تأخیر مواجه شده است، بدون رفع بن بست فعلی در حوزه صنعت غنی‌سازی اورانیوم، سرمایه‌گذاری مطلوب و گسترده‌ای در این صنایع صورت نخواهد گرفت. این تنها عاملی است که امکان دارد شرایط را به گونه‌ای متحول سازد تا ایران را در مورد مسأله هسته‌ای، جدأً به پای میز مذاکره بکشاند. بی‌اعتنایی نسبت به قطعنامه‌های شورای امنیت، به احتمال زیاد در ماه‌های آتی تحریم‌های بیشتری را در پی خواهد داشت. این تحریم‌ها - چه از سوی سازمان ملل و چه خارج از این چارچوب - روابط خارجی ایران را با تهدید مواجه